

حکایت تاریخی از شکار آغا محمد خان و یاد کریم خان زند

۲ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۱۷

گفت: تیر کریم خطا نمی شود. ما دقت کردیم و دیدیم گراز پس از طی چندین قدم واژگون گردید و به زمین خورد. وقتی بالای سرش رسیدیم مشاهده کردیم تیر کریمخان از یک سوی بدن جانور وارد و از سوی دیگرش خارج شده و به خاک نشسته است.

حکایت است روزی آغا محمد خان قاجار با عده ای از اطرافیانش به شکارگاه رفته بود. هنگام شکار خان قاجار تیری به سوی یک حیوان (آهو) انداخت که تیر به حیوان نخورد. تیر به خطا رفت و در خاک نشست. از برخورد تیر به زمین گرد و خاک برخاست و جانور گریخت.

گویند شاه قاجار نا خود آگاه ناسزایی نسبت به کریم خان زند که شوهر عمه اش نیز بود به زبان آورد. اطرافیانش با حیرت از وی پرسیدند چرا کریم خان را دشنام دادی؟ آغا محمد خان پاسخ گفت: روزی با خان زند به شکار رفتم. ناگهان گرازی مهیب و درشت جثه از جلوی ما رمید و گریخت. خان زند با سرعت و چالاکی تیری در چله کمان نهاد و به سمت گراز رها کرد. اما تیر به خاک نشست و گرد و خاک به هوا برخاست. من گفتم که خطا شد. کریم خان با لبخند

گفت: تیر کریم خطا نمی شود. ما دقت کردیم و دیدیم گراز پس از طی چندین قدم واژگون گردید و به زمین خورد. وقتی بالای سرش رسیدیم مشاهده کردیم تیر کریمخان از یک سوی بدن جانور وارد و از سوی دیگرش خارج شده و به خاک نشسته است. امروز که تیرم به خطا رفت، به یاد دقت تیر اندازی و قدرت دست کریمخان افتادماز شدت حسادت نتوانستم سکوت کنم و نا خود آگاه وی را دشنام دادم

<https://www.cafetariqh.com/news/21892/شکار-تاریخچه-حکایت/21892>